

بررسی میزان افسردگی و اضطراب در معلولین بینایی ۱۶-۵۰ ساله شهر تهران بر حسب سن، جنس، میزان معلولیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال آنان

فاطمه عباسی تهرانی* دکتر شیوا دولت‌آبادی**

(دریافت: ۸۱/۷/۱۴ تجدید نظر: ۸۱/۹/۱۶ پذیرش: ۸۱/۱۲/۱۱)

چکیده

پژوهش حاضر یک پژوهش زمینه‌یابی است که میزان افسردگی و اضطراب را در معلولین بینایی بر حسب سن، جنس، میزان معلولیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال مورد بررسی قرار داده است. آزمودنی‌های این پژوهش متشكل از ۱۳۵ نفر از معلولین بینایی شهر تهران با دامنه سنی ۱۶-۵۰ سال بودند که در گروه‌های سنی رده بندی شده، گروه‌های مرد و زن، نابینا و کم بینا، مجرد و متاهل و گروه‌های شاغل و غیر شاغل به عنوان نمونه در دسترس انتخاب گردیدند. ایزارهای به کار گرفته شده عبارت بودند از: آزمون افسردگی بک و مقیاس اضطراب کتل که در ایران نیز استاندارد شده‌اند. یافته‌های توصیفی حاکی از این است که بسیاری از معلولین بینایی دارای افسردگی خفیف و اضطراب متوسط هستند. تجزیه و تحلیل آماری یافته‌ها نشان داد که میزان افسردگی در معلولین بینایی زن بیشتر از مردها، در مجردها بیشتر از متاهل‌ها و در غیر شاغل‌ها بیشتر از شاغل‌ها می‌باشد و دو عامل سن و میزان معلولیت تأثیری بر میزان افسردگی معلولین بینایی نداشته است. تجزیه و تحلیل یافته‌ها همچنین نشان داد که میزان اضطراب در معلولین بینایی زن بیشتر از مردها است و سایر عوامل یعنی سن، میزان معلولیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال بر میزان اضطراب جمعیت مورد مطالعه بی‌تأثیر بوده است.

واژه‌های کلیدی: افسردگی، اضطراب، معلولین بینایی

* کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه علامه طباطبائی Email: tehrani74@yahoo.com

** استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

اختلال‌های روانی مخصوص یک قشر یا طبقه خاصی نیست و تمام طبقات جامعه را شامل می‌گردد. در عصر ماشینی امروز امکان ابتلا به بیماری روانی و ناراحتی روحی برای همه افراد جامعه وجود دارد. هیچ انسانی از فشارهای روانی - اجتماعی در امان نیست و در برابر ناراحتی‌های روحی از قبیل افسردگی و اضطراب مصونیت نداشته و ندارد و این خطری است که نسل فعلی و آینده را تهدید می‌کند (میلانی فر، ۱۳۷۴).

افسردگی حالتی مشخص با غمگینی، گرفتگی و بی‌حوصلگی است که در برگیرنده علائم جسمی و روانی است و انواع گوناگونی دارد. اضطراب یک احساس منتشر، بسیار ناخوشایند و اغلب مبهم دلواپسی است که با یک یا چند علامت بیشتر جسمی همراه است و بر حسب مورد طبقه‌بندی‌های مختلفی دارد (پورافکاری، ۱۳۷۶).

حس بینایی یکی از حواس پنج گانه است که در زندگی انسان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار می‌باشد. فقدان حس بینایی یا نقص در عملکرد آن، معلولیت بینایی را ایجاد می‌کند که ممکن است به صورت نابینایی کامل یا کم بینایی باشد. نابینایی کسی است که برای خواندن باید از خط بریل یا روش‌های سمعی بهره بگیرد و کم بینایی کسی گفته می‌شود که برای خواندن می‌تواند از حروف چاپی درشت یا وسائل درشت کننده استفاده کند (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۰).

معلولیت و از آن جمله معلولیت بینایی همواره انواعی از واکنش‌های روانی را به دنبال دارد و اغلب از طریق ایجاد اضطراب، نگرانی، کاهش اعتماد به نفس و سایر دشواری‌های روانی در پیدایش بحران‌های روحی مؤثر واقع می‌شود. افسردگی به عنوان یک واکنش روانی در افراد معلول امری طبیعی و ناشی از صدمات جسمی و روحی است که بر آن‌ها وارد شده و انعکاس اندیشه‌هایی است که در مغز آن‌ها وجود دارند. از نظر روانی کسانی که به علت نقص جسمی قادر به کار و فعالیت نباشند، مشکلاتی هم برای خودشان، هم برای خانواده‌هایشان و نیز برای اجتماع ایجاد خواهند کرد و انواع فشارهای روحی به شخص و اطرافیان او وارد خواهد شد. مسائل روانی - اجتماعی بخش مهمی از مشکلات معلولین را تشکیل می‌دهند، بی‌توجهی به این مسائل گاه مشکلات عدیده‌ای را برای معلول به وجود خواهد آورد که ناتوانی‌های او را تحت الشعاع قرار می‌دهند. بنابراین شناخت ویژگی‌های روانی این دسته از معلولین می‌تواند کمک

مؤثری درجهت آموزش و توانبخشی آنها باشد و موجبات برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و مؤثرتر در راستای مسائل مربوط به تحصیل، ازدواج و اشتغال آنان را فراهم سازد (اسلامی نسب، ۱۳۷۲).

نابینایی سازمان یافته‌گی کلی شخصیت فرد نابینا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر فرد نابینا شخصیت و طبعاً احساسات ویژه‌ای دارد، احساسات و نگرش‌هایی که یک الگوی کلی را در برخورد با هر موقعیت به دست می‌دهند. نابینایی یک وضعیت جدی است که می‌تواند تعادل روانی را از بین ببرد. بعضی از افراد نابینا تحت تأثیر نگرش منفی به نابینایی مستعد ابتلا به افسردگی و سایر مشکلات عاطفی می‌گردند. تنش روانی، اضطراب، احساس ناامنی و افسردگی، مشکلات روانی هستند که در نابینایان گزارش شده‌اند. بنابراین، نابینایی به خودی خود نقشی در سازمان یافته‌گی شخصیت ندارد، بلکه نگرش فرد نابینا است که در سازمان یافته‌گی شخصیت او تأثیر می‌گذارد و برخی واکنش‌های روانی را به وجود می‌آورد (شریفی درآمدی، ۱۳۷۹).

در سازگاری افراد نابینا با معلولیت خود چند مسئله مطرح است. یکی مسئله مادرزادی بودن یا اکتسابی بودن معلولیت است. کودکانی که توانسته‌اند قبل از ابتلای به نابینایی، دیدن برخی از اشیا را تجربه کنند، خواهند توانست تا اندازه‌ای بر این تجربه‌ها متکی باشند و در یادگیری مفاهیم دچار مشکلات کمتری هستند.

دیگری مسئله سن بروز معلولیت است. برخی محققان اظهار می‌دارند آن‌هایی که در سینین بعد دچار نقص بینایی می‌شوند، با مسائل سازشی بیشتری مواجه می‌باشند. اما محققان دیگری ادعا می‌کنند که با ایجاد انگیزه‌ای مناسب در این افراد می‌توان آنان را قادر ساخت تا از تجربه‌هایی که قبلاً در زمینه بینایی به دست آورده‌اند، استفاده کنند. هم چنین مسئله تدریجی بودن یا ناگهانی بودن معلولیت نیز در سازگاری نابینایان مؤثر است. به نظر می‌رسد زمانی که شروع نابینایی تدریجی باشد، فرایند سازگاری بهتر صورت می‌گیرد تا زمانی که شروع نابینایی ناگهانی باشد (هالahan و کافمن، ترجمه جوادیان، ۱۳۷۵).

به طور کلی باید گفت هیچ گونه مشکل اساسی فردی یا اجتماعی که ذاتاً به خاطر معلولیت بینایی باشد، وجود ندارد. به گفته کرک^۱ و گالاگر^۲ (۱۹۸۳) ناسازگاری در افراد نابینا بیشتر ناشی از شیوه برخورد جامعه با آن‌هاست. کاتس فورث^۳ (۱۹۷۱) نیز از

اولین افرادی است که اعتقاد دارد عکس العمل جامعه نسبت به فرد نابینا سازگاری یا عدم سازگاری او را تعیین می‌کند. به علاوه به اعتقاد سامرز^۴ نیز اختلالات عاطفی و ناسازگاری‌ها در افراد نابینا از برخوردهای اجتماعی و شرایط محیطی فرد ناشی می‌شوند نه خود معلولیت فرد. لوئنفلد^۵ (۱۹۸۷) اعتقاد دارد که نقص بینایی فرد نابینا را بیشتر در معرض فشار عصبی، احساس ناممنی و یا س قرار می‌دهد، اما به جز عامل بینایی و اثر آن بر شخصیت فرد، منبع دیگری از برخوردها و تضادهای احتمالی وجود دارد که می‌تواند تأثیر گذار باشد. او همچنین از سوی بلانک^۶ (۱۹۵۹) نقل می‌کند که احتمال اختلالات شخصیتی افراد دچار معلولیت بینایی دور از انتظار نیست. نتایج مطالعه کاون^۷ و همکاران (۱۹۸۱) نشان داده که در گروه نابینا هیچ گونه شخصیت ویژه یا غیرعادی دیده نمی‌شود. اما در نقطه مقابل آن بریلنند^۸ (۱۹۶۷) نشان داده است که دانش‌آموزان نابینا از نظر سازگاری عاطفی، اجتماعی و بهداشتی با دانش‌آموزان بینا تفاوت معنی‌داری دارند. اشنیجر^۹ و هیرشان^{۱۰} (۱۹۱۸) نیز با انجام مطالعه‌ای دریافتند که هر چند الگوهای رفتاری آزمودنی‌های دچار اختلال بینایی ممکن است شباهت زیادی به الگوهای رفتاری جامعه عادی داشته باشند، ولی نتایج تحلیل عاملی منعکس کننده سه عامل اختلالات رفتاری، مشکلات شخصیتی و ناکارآمدی یا نابسنندگی – ناپختگی در میان دانش‌آموزان نابینا می‌باشد. (به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۹).

زلیک و همکاران (۲۰۰۰) با مقایسه افراد دارای ضایعه بینایی مرکزی با افراد بدون هیچ گونه بیماری چشم نتیجه گرفتند که افراد دارای ضایعه بینایی مرکزی در مقیاس‌های افسردگی، اضطراب هراس، خیال‌پردازی پارانویایی و روان‌پریشی نسبت به افراد عادی نمرات بالاتری داشتند و نمرات افسردگی در مردان دارای اختلال بینایی بالاتر از زنان بود. هرسن و کاباکوف (۱۹۹۵) در مطالعه‌ای که روی ۱۰۰ فرد مبتلا به نقص بینایی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که در افراد دارای نقص بینایی بین حمایت اجتماعی و افسردگی، بین جرأت‌ورزی و افسردگی و بین حمایت اجتماعی و جرأت‌ورزی همبستگی معنی‌داری وجود دارد، یعنی هر چه حمایت اجتماعی پایین‌تر باشد، افسردگی بالاتر است. هر چه جرأت‌ورزی پایین‌تر باشد، افسردگی بالاتر است و هر چه حمایت اجتماعی بیشتر باشد، جرأت‌ورزی نیز بیشتر خواهد بود. فوکسال و همکاران (۱۹۹۲) نیز نشان دادند بزرگسالان مبتلا به نقص بینایی که بدین هستند،

اضطراب اجتماعی دارند و از حمایت‌های اجتماعی موجود رضایت ندارند و در معرض خطر تنهایی زیادی هستند. در مطالعه دیگری که به وسیله اشمولی و همکاران (۱۹۹۵) انجام شد، افسردگی با اختلال بینایی همراه بود و هیچ ارتباط معنی‌داری بین افسردگی و شدت اختلال بینایی وجود نداشت. اما یک ارتباط مستقیم بین افسردگی و اختلال عملکرد پیدا شد. ویلهلم (۱۹۸۹) نیز در مطالعه خود روی ۱۳۹ کودک دارای اختلال بینایی نشان داده است که نمرات ترس‌ها و اضطراب کودکان نابینایی کامل شبیه نمرات کودکان کم بینا است.

در نقطه مقابل این پژوهش‌ها، مطالعه تیتلبام و همکاران (۱۹۹۴) نشان دهنده این است که افسردگی یک پیامد مسلم و غیرقابل اجتناب نقص بینایی نمی‌باشد. به عبارت دیگر نقص بینایی لزوماً به افسردگی نمی‌انجامد. به علاوه اورن (۲۰۰۱) نیز در مطالعه خود نشان داده است که آسیب بینایی هیچ تأثیر معنی‌داری روی تغییرات فصلی زمستان و در واقع افسردگی فصلی زمستان ندارد و بنابراین بین نقص بینایی و افسردگی فصلی زمستان رابطه‌ای وجود ندارد.

در ایران نیز توجه به ویژگی‌های روانی و شخصیتی معلولین بینایی در غالب پژوهش‌های پایان نامه‌ای مشهود است. با این که پژوهش‌های چندی در زمینه عزت نفس، خود پنداره و افسردگی معلولین بینایی انجام شده، اما هیچ پژوهشی اضطراب این افراد را مورد توجه قرار نداده است.

احمدی در سال ۱۳۷۵ نشان داد که افراد مبتلا به نقص بینایی در مقایسه با همسالان بینای خود سازگاری کمتری از خود نشان می‌دهند و این عدم سازگاری بیشتر به خاطر برخورد نادرست اجتماع با آن‌هاست.

کلاور در سال ۱۳۷۶ متوجه شد که افراد نابینا اکثرآ دچار بازداری‌های شدید روانی هستند. ترابی در سال ۱۳۷۶ به این نتیجه دست یافته است که افراد نابینا نسبت به افراد بینا از خود پنداره پایین‌تری برخوردارند و نقص خودشان را بزرگ می‌پندارند.(به نقل از موسوی، ۱۳۷۸).

امامی‌بور(۱۳۷۶) در پژوهش خود نشان داده است که میزان عزت نفس در کودکان نابینا از کودکان عادی هم سن و سالشان کمتر است و جنسیت اثری در میزان عزت نفس کودکان عادی و نابینا ندارد.

برقی و همکاران (۱۳۷۸) به این نتیجه رسیده‌اند که میزان عزت نفس و افسردگی در دانش‌آموزان ساکن خوابگاه و منزل، دانش‌آموزان دختر و پسر، دانش‌آموزان نابینا و کم بینا و دانش‌آموزان ترمهای مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نداشتند. نتایج مطالعه آتش‌پور و مهدی‌زادگان (۱۳۷۶) نیز حاکی از این است که نابینایان دارای افسردگی هستند و دختران نابینا نسبت به پسران نابینا افسرده‌تر می‌باشند.

در نقطه مقابل این پژوهش‌ها، پژوهش قاسمی (۱۳۷۶) روش می‌سازد که بین افسردگی دانش‌آموزان بینا و نابینا تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و آنچه بیش از هر چیز جلب نظر می‌کند، مشکل نابینا در برقراری ارتباط با دیگران است (به نقل از موسوی، ۱۳۷۸). به علاوه پژوهش موسوی (۱۳۷۸) نیز نشان می‌دهد که بین میزان افسردگی کودکان بینا و نابینایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد اما بین میزان افسردگی کودکان بینا و نیمه بینا و همینطور کودکان نابینا و نیمه بینا تفاوت معنی‌دار مشاهده شد، یعنی میزان افسردگی در کودکان نیمه بینا بیشتر از کودکان بینا و نابینا می‌باشد.

همان طور که ملاحظه می‌گردد نتایج مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه معلولین بینایی تا حدودی متفاوت و احیاناً متضاد است، لذا پژوهش بیشتر در این خصوص برای رسیدن به نتایج واحد و تکرارپذیر ضروری است. از آنجا که به نظر می‌رسید مسائلی مانند سن، جنسیت، میزان نقص بینایی، ازدواج و اشتغال در بهداشت روانی معلولین بینایی نقش اساسی دارند، در این پژوهش میزان افسردگی و اضطراب در معلولین بینایی ۵۰-۱۶ ساله بر حسب سن، جنس، میزان معلولیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال مورد بررسی قرار گرفت و معلولین بینایی در زیرگروه‌های مختلف یعنی شش گروه سنی، گروه‌های مرد و زن، گروه‌های نابینا و کم بینا، گروه‌های مجرد و متاهل و گروه‌های شاغل و غیرشاغل به لحاظ میزان افسردگی و اضطراب با یکدیگر مقایسه شدند. هدف این بود که مشخص شود هر یک از متغیرهای سن، جنس و میزان معلولیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال چه تأثیری بر میزان دو خصیصه افسردگی و اضطراب در این دسته از معلولین دارد. به منظور دستیابی به این هدف ده فرضیه زیرآزمون گردیدند:

- ۱- بین میزان افسردگی در معلولین بینایی گروه‌های سنی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

- ۲- میزان افسردگی در معلولین بینایی زن به طور معنی دار بیشتر از معلولین بینایی مرد می باشد.
- ۳- بین میزان افسردگی در معلولین بینایی نابینا و کم بینا تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین میزان افسردگی در معلولین بینایی مجردو متأهل تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۵- بین میزان افسردگی در معلولین بینایی شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۶- بین میزان اضطراب در معلولین بینایی گروه های سنی مختلف، تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۷- میزان اضطراب در معلولین بینایی زن به طور معنی دار بیشتر از معلولین بینایی مرد می باشد.
- ۸- بین میزان اضطراب در معلولین بینایی نابینا و کم بینا تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۹- میزان اضطراب در معلولین بینایی متأهل به طور معنی دار بیشتر از معلولین بینایی مجرد می باشد.
- ۱۰- بین میزان اضطراب در معلولین بینایی شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی داری وجود دارد.

روش

این مطالعه، یک مطالعه زمینه یابی است که در آن شناسایی و درک جامعی از یک دوره کامل یا قسمت مهمی از زندگی یک واحد، هدف است و با مطالعات و پژوهش های عمیق و وسیع پیرامون یک واحد، چند عامل یا متغیر در مورد یک گروه خاص مورد بررسی قرار می گیرد.

الف- جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه معلولین بینایی ۱۶-۵۰ ساله شهر تهران در شش گروه سنی ۱۶-۲۰، ۲۱-۲۵، ۲۶-۳۰، ۳۱-۳۵، ۳۶-۴۰ و ۴۱-۵۰ سال بوده است.

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۳۵ معلول بینایی ۱۶-۵۰ ساله شهر تهران بود که به عنوان نمونه در دسترس با مراجعه به مراکز خاص نابینایان در سازمان آموزش و پرورش

استثنایی و سازمان بهزیستی انتخاب گردید. جدول ۱ فراوانی و درصد هر یک از زیر گروه‌های معلولین بینایی را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد معلولین بینایی به تفکیک
سن، جنس، میزان معلولیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال آنان

درصد	فراوانی	شاخص‌ها	گروه‌ها
%۱۴/۰۷	۱۹	سال ۱۶-۲۰	سن
%۱۷/۷۸	۲۴	سال ۲۱-۲۵	
%۲۱/۴۸	۲۹	سال ۲۶-۳۰	
%۱۸/۵۲	۲۵	سال ۳۱-۳۵	
%۱۱/۸۵	۱۶	سال ۳۶-۴۰	
%۱۶/۳۰	۲۲	سال ۴۱-۵۰	
%۴۷/۴۱	۶۴	مرد	جنس
%۵۲/۵۹	۷۱	زن	
%۶۸/۱۵	۹۲	نایابنا	میزان معلولیت
%۳۱/۸۵	۴۳	کم بینا	
%۴۳/۷۰	۵۹	مجرد	وضعیت تأهل
%۴۱/۲۲	۵۷	متاهل	
%۵۹/۲۶	۸۰	شاغل	وضعیت اشتغال
%۲۶/۶۷	۳۶	غیرشاغل	
%۱۰۰	۱۳۵	کل	

لازم به توضیح است که در گروه‌بندی افراد نمونه به صورت دو گروه مجرد و متأهل و دو گروه شاغل و غیر شاغل، افراد گروه سنی ۱۶-۲۰ سال، یعنی تعداد ۱۹ نفر از افراد که زیر سن ازدواج و اشتغال بوده‌اند، حذف گردیدند و بقیه افراد در گروه‌های مورد نظر جایگزین شدند.

ب- ابزار پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی میزان افسردگی از آزمون افسردگی بک و جهت بررسی میزان اضطراب از مقیاس اضطراب کتل استفاده گردید. تست افسردگی بک یکی از آزمون‌های معتربر بالینی است که در جهان کاربرد فراوان دارد و در ایران نیز روی یک نمونه ۲۰۰ نفری از جمعیت دانشجویی دانشگاه تهران هنجاریابی شده و اعتبار و روایی آن مشخص گردیده است (منصور و دادستان، ۱۳۷۶). در این پژوهش فرم کوتاه و اختصاری تست بک استفاده شده است که دارای ۱۳ گروه ۴ سؤالی می‌باشد و هر گروه

نشان دهنده یکی از علائم مرتبط با افسردگی و هر سؤال بیان کننده حالتی در فرد است. ترتیب سؤالات در هر گروه از لحاظ درجه و و خامت علائم افسردگی به صورت نزولی می‌باشد. آزمودنی باید در هر گروه آن سؤال یا سؤالاتی را که بهتر از همه احساس کنونی وی را بیان می‌کند، انتخاب نماید، عدد کنار آن سؤال به عنوان نمره وی در آن گروه خاص در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب هر آزمودنی در آخر ۱۳ نمره مختلف خواهد داشت که مجموع این ۱۳ نمره، نمره افسردگی او در این تست خواهد بود.

مقیاس اضطراب کتل نیز یکی از آزمون‌های معتبر شخصیتی است که کاربرد فراوانی دارد و در ایران نیز در سال ۱۳۶۸ با استفاده از یک نمونه ۲۴۸۹۴ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده و اعتبار و روایی آن مشخص گردیده است (ترجمه منصور و دادستان، ۱۳۷۶). پرسشنامه این مقیاس شامل ۴۰ سؤال درباره مسائل و مشکلاتی است که هر فرد در زندگی خود گاه به گاه با آن‌ها مواجه می‌گردد. در مقابل هر سؤال سه گزینه قرار دارد که آزمودنی می‌باید بر حسب احساس کنونی خود به هر سؤال با انتخاب یکی از سه گزینه مقابل آن پاسخ دهد. براساس فهرست نمره‌گذاری، به گزینه‌ای که مبین اضطراب است نمره دو، به گزینه‌ای که مبین عدم اضطراب است نمره صفر و به گزینه وسط نمره یک تعلق می‌گیرد. بنابراین هر آزمودنی در آخر ۴۰ نمره مختلف خواهد داشت که مجموع این ۴۰ نمره، نمره خام او را در تست اضطراب تشکیل می‌دهد و با مراجعه به جدول هنجار گزینی، نمره کلی اضطراب وی به دست خواهد آمد.

ج- شیوه اجرا

از آنجا که امکان تهیه تعداد زیادی پرسشنامه به خط بریل برای افراد نابینا و به خط درشت برای افراد کم بینا وجود نداشت، لذا اجرای گروهی میسر نبود و محقق ناچار شد یا خود پرسشنامه‌ها را برای تک تک آزمودنی‌ها بخواند و پاسخ‌ها را ثبت نماید یا چند پرسشنامه محدود را تک تک در اختیار آزمودنی‌ها قرار دهد. بعد از اجرا و نمره‌گذاری، برای توصیف و طبقه‌بندی داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، و به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از روش‌های آمار

استنباطی شامل تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون معنی‌دار برای مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل استفاده گردید.

یافته‌ها

الف- یافته‌های توصیفی

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد نمرات افسردگی معلولین بینایی بر حسب درجه افسردگی

درصد	فراوانی	سطح نمرات	درجه افسردگی
%۲/۲۲	۳	۰	هیچ
%۳/۷۰	۵	۱	تقریباً هیچ
%۲۰	۲۷	۲-۳	ناچیز
%۳۶/۳۰	۴۹	۴-۷	خفیف
%۱۵/۵۶	۲۱	۸-۱۰	متوسط(بیشتر از خفیف)
%۱۴/۸۱	۲۰	۱۱-۱۴	متوسط(کمتر از وخیم)
%۷/۴۱	۱۰	۱۵ به بالا	وخیم
%۱۰۰	۱۳۵	جمع	
	۷/۲۴	میانگین نمرات	

در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد که بیشترین فراوانی و درصد نمرات مربوط به درجه افسردگی خفیف است. این بدان معناست که بسیاری از معلولین بینایی دارای افسردگی خفیف بوده‌اند. به علاوه میانگین کل نمرات افسردگی نیز نشان دهنده درجه افسردگی بین خفیف و بیشتر از خفیف می‌باشد.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد نمرات اضطراب معلولین بینایی بر حسب درجه اضطراب

درصد	فراوانی	سطح نمرات	درجه اضطراب
%۱۴/۰۷	۱۹	۰-۳	آرام و بدون تنفس
%۴۳/۷۰	۵۹	۴-۶	دارای درجه متوسط اضطراب
%۳۲/۵۹	۴۴	۷-۸	روان آزاده مضطرب
%۹/۶۳	۱۳	۹-۱۰	دارای اضطراب شدید و نیازمند کمک
%۱۰۰	۱۳۵	جمع	
	۶۰۱	میانگین نمرات	

جدول ۳ بیانگر این است که بیشترین فراوانی و درصد نمرات مربوط به درجه اضطراب متوسط است، یعنی بسیاری از معلولین بینایی دارای اضطراب متوسط بوده‌اند. به علاوه میانگین کل نمرات اضطراب نیز نشان دهنده درجه اضطراب متوسط می‌باشد. شایان ذکر است که در این جدول با توجه به اینکه هدف، مشخص نمودن درجه اضطراب و تعیین مرز بین بهنجار و نابهنجار بوده، از نمرات طراز شده اضطراب استفاده شده است و میانگین محاسبه شده نیز میانگین نمرات طراز شده اضطراب می‌باشد.

جدول ۴- میانگین و انحراف معیار نمرات افسردگی و اضطراب گروه‌های مختلف معلولین بینایی

اضطراب				افسردگی		شاخص‌ها		گروه‌ها
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	سن	جنس	میزان معلولیت		
۳۵/۴۷	۴/۵۶	۷/۴۷	۱۶-۲۰ سال					
۳۷/۷۱	۵/۸۹	۸/۴۲	۲۱-۲۵ سال					
۳۶/۸۶	۴/۶۲	۶/۷۹	۲۶-۳۰ سال					
۳۶/۸۸	۵/۹۲	۷/۱۲	۳۱-۳۵ سال					
۳۵/۵۰	۵/۸۱	۷/۶۳	۳۶-۴۰ سال					
۳۶/۷۷	۳/۹۹	۶/۱۸	۴۱-۵۰ سال					
۳۴/۳۹	۴/۶۵	۶/۳۹	مرد					
۳۸/۶۸	۵/۵۷	۸	زن					
۳۶/۶۷	۵/۲۶	۷/۱۶	تابینا					
۳۶/۵۸	۵/۱۳	۷/۴۰	کم بینا					
۳۸/۰۵	۵/۸۷	۸/۰۷	مجرد					
۳۵/۵۸	۴/۵۰	۶/۳۰	متاهل					
۳۶/۰۳	۴/۵۹	۶/۲۴	شاغل					
۳۸/۶۴	۶/۱۵	۹/۳۳	غیرشاغل					
۳۶/۶۴	۵/۲۲	۷/۲۴	کل					

جدول ۴ نشان می‌دهد که در میان گروه‌های مختلف معلولین بینایی، بالاترین میانگین افسردگی مربوط به گروه غیر شاغلان و پایین‌ترین میانگین افسردگی مربوط به گروه سنی ۴۱-۵۰ سال می‌باشد. همچنین این جدول نشان می‌دهد که در میان گروه‌های مختلف معلولین بینایی، بالاترین میانگین اضطراب مربوط به گروه زنان و پایین‌ترین میانگین اضطراب مربوط به گروه مردان می‌باشد.

لازم به توضیح است که در این قسمت برای محاسبه میانگین‌های نمرات اضطراب با توجه به اینکه هدف، مقایسه زیر گروه‌ها با یکدیگر بوده، مستقیماً از نمرات خام اضطراب استفاده گردیده است.

ب- یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

جدول ۵- خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه بر مبنای فرضیه اول

منابع تغییر	مجموع محدودرات SS	درجهات آزادی d.f	میانگین مجموع MS محدودرات	نسبت F
بین گروه‌ها	۶۷/۴۲	۵	۱۳/۴۸	۰/۴۸
	۳۶۱۰/۹۹	۱۲۹	۲۷/۹۹	
جمع	۳۶۷۸/۴۱	۱۳۴	p=۰/۰۵	

همان طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌گردد، نسبت F محاسبه شده کوچک‌تر از یک است و در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد، یعنی بین میانگین‌های نمرات افسردگی معلولین بینایی شش گروه سنی تفاوت معنی‌دار آماری مشاهده نشد، لذا فرضیه اول پژوهش رد می‌شود.

جدول ۶ خلاصه نتایج آزمون معنی‌دار t بر مبنای فرضیه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم را نشان می‌دهد.

جدول ۶- خلاصه نتایج آزمون معنی‌دار t مربوط به مقایسه میانگین‌های افسردگی معلولین بینایی مرد و زن، نابینا و کم بینا، مجرد و متاهل، شاغل و غیرشاغل

متغیر	گروه‌ها	میانگین MS	درجه آزادی d.f	t	سطح معناداری	نتیجه
جنس	معلولین بینایی مرد	۶/۳۹	۱۳۳	۱/۷۸۹	۰/۵	معنی‌دار
	معلولین بینایی زن	۸				
میزان معلولیت	معلولین بینایی نابینا	۷/۱۶	۱۳۳	۰/۲۴۶	۰/۵	—
	معلولین بینایی کم نابینا	۷/۴۰				
وضعیت تأهل	معلولین بینایی مجرد	۸/۰۷	۱۱۴	۱/۶۷۰	۰/۵	معنی‌دار
	معلولین بینایی متأهل	۶/۳۰				
وضعیت اشتغال	معلولین بینایی شاغل	۶/۲۴	۱۴۴	۳	۰/۰۱	معنی‌دار
	معلولین بینایی غیرشاغل	۹/۳۳				

همان طور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، مقدار t محاسبه شده برای معلولین بینایی مرد و زن در سطح ۰/۰۵ معنادار است، یعنی بین میانگین‌های نمرات افسردگی معلولین بینایی مرد و زن تفاوت معنی‌دار آماری مشاهده گردید و می‌توان گفت میزان افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. اما مقدار t محاسبه شده برای معلولین بینایی نابینا و کم بینا در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد، یعنی بین میانگین‌های نمرات

افسردگی معلولین بینایی نابینا و کم بینا تفاوت معنی‌دار آماری مشاهده نشد. همچنین مقدار t محاسبه شده برای معلولین بینایی مجرد و متأهل تفاوت معنی‌دار آماری دارد و می‌توان نتیجه گرفت که میزان افسردگی در مجردها بیشتر از متأهلها می‌باشد. به علاوه نتایج نشان می‌دهد که مقدار t محاسبه شده برای معلولین بینایی شاغل و غیرشاغل در سطح 0.01 معنادار است، یعنی بین میانگین‌های نمرات افسردگی معلولین بینایی شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی‌دار آماری مشاهده شد. بنابر این میزان افسردگی درغیر شاغلها بیشتر از شاغلها می‌باشد. با توجه به این نتایج، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌گردد، فرضیه سوم رد می‌شود و فرضیه‌های چهارم و پنجم نیز مورد تأیید قرار می‌گیرند.

در جدول ۷ خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه بر مبنای فرضیه ششم ارائه شده است.

جدول ۷- خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه بر مبنای فرضیه ششم
شش گروه سنی

متابع تعییر	مجموع مجذورات SS	درجات آزادی df	میانگین مجموع مجذورات MS	نسبت F
بین گروه‌ها	۷۷/۲۹	۵	۱۵/۴۶	۰/۱۷
	۱۱۸۱۱/۶۵	۱۲۹	۹۱/۵۶	
جمع	۱۱۸۸۸/۹۴	۱۳۴	p = 0/05	

نتایج جدول ۷ بیانگر این است که نسبت F محاسبه شده کوچک‌تر از یک است و در سطح 0.05 معنادار نمی‌باشد. بدین معنی که بین میانگین‌های نمرات اضطراب معلولین بینایی شش گروه سنی تفاوت معنی‌دار آماری مشاهده نشد. بنابراین فرضیه ششم پژوهش رد می‌شود.

جدول ۸ خلاصه نتایج آزمون معنی‌دار t بر مبنای فرضیه‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم را نشان می‌دهد.

جدول ۸- خلاصه نتایج آزمون معنی دار t مربوط به مقایسه میانگین های اضطراب معلولین بینایی مرد و زن، نابینا و کم بینا، مجرد و متاهل، شاغل و غیرشاغل

متغیر	گروه ها	میانگین M	درجه آزادی df	t	سطح معناداری	نتیجه
جنس	معلولین بینایی مرد	۳۴/۳۹	۱۳۳	۰/۰۱	۲/۵۹۸	معنی دار
	معلولین بینایی زن	۳۸/۶۸				
میزان معلولیت	معلولین بینایی نابینا	۳۶/۶۷	۱۳۳	۰/۰۵	۰/۰۵۵	—
	معلولین بینایی کم نابینا	۳۶/۵۸				
وضعیت تأهل	معلولین بینایی مجرد	۳۸/۰۵	۱۱۴	۰/۰۵	۱/۳۰۰	—
	معلولین بینایی متاهل	۳۵/۵۸				
وضعیت اشتغال	معلولین بینایی شاغل	۳۶/۰۳	۱۱۴	۰/۰۵	۱/۳۷۴	—
	معلولین بینایی غیرشاغل	۳۸/۶۴				

از جدول ۸ چنین استنباط می گردد که مقدار t محاسبه شده برای معلولین بینایی مرد و زن در سطح 0.01 معنی دار است، یعنی بین میانگین های نمرات اضطراب معلولین بینایی مرد و زن تفاوت معنی دار آماری مشاهده گردید. به عبارت دیگر میزان اضطراب در زنان بیشتر از مردان می باشد. این در حالی است که مقدار t محاسبه شده برای هیچ یک از معلولین بینایی نابینا و کم بینا، معلولین بینایی مجرد و متاهل و معلولین بینایی شاغل و غیر شاغل در سطح 0.05 معنی دار نمی باشد. بدین معنی که بین میانگین های نمرات اضطراب معلولین بینایی نابینا و کم بینا، مجرد و متاهل و بالاخره شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی دار آماری مشاهده نشد. بنابراین فرضیه هفتم پژوهش تأیید می گردد و فرضیه های هشتم، نهم و دهم رد می شوند.

بحث و نتیجه گیری

مندرجات جداول ۲ و ۳ نشان می دهند که اکثر معلولین بینایی دارای افسردگی خفیف و اضطراب متوسط هستند. این یافته با نتایج مطالعه زلیک و همکاران (۲۰۰۰) همسو می باشد. آن ها چنین نتیجه گیری کرده بودند که افراد دارای ضایعه بینایی مرکزی در مقیاس های افسردگی و اضطراب نسبت به افراد عادی نمرات بالاتری دارند. به علاوه نتایج پژوهش آتشپور و مهدی زادگان (۱۳۷۶) نیز بیانگر وجود افسردگی در نابینایان است. با توجه به مشکلاتی که معلولین بینایی در زندگی فردی، اجتماعی و

شغلی خود دارند و اثربی که این معلولیت در روابط اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی آنها بر جای می‌گذارد، بروز واکنش‌هایی مثل افسردگی و اضطراب در این افراد دور از انتظار نیست.

نتایج جداول ۵ و ۷ حاکی از این است که بین میزان افسردگی و اضطراب در سنین مختلف معلولین بینایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت میزان افسردگی و اضطراب در سنین مختلف به طور یکسان شایع است و تحول تأثیری بر میزان این دو خصیصه ندارد.

یافته‌های به دست آمده میزان افسردگی و اضطراب را در زنان بیشتر از مردان نشان می‌دهد. در تبیین این نتیجه شاید بتوان گفت که جامعه نسبت به زن معلول نگرش منفی‌تری دارد تا مرد معلول، و پذیرش معلولیت زن دشوارتر از پذیرش معلولیت مرد است. این نتایج با نتایج پژوهش آتش‌پور و مهدی زادگان (۱۳۷۶) در مورد افسردگی همخوانی دارد. اما با نتایج مطالعه زلیک و همکاران (۲۰۰۰) که مردان را در مقیاس‌های افسردگی و اضطراب بالاتر از زنان نشان داده بودند، همخوانی ندارد.

همان‌طور که در تجزیه و تحلیل یافته‌ها ملاحظه شد، بین میزان افسردگی و اضطراب در معلولین نابینا و کم بینا تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. یعنی عامل میزان معلولیت با میزان نقص بینایی تأثیری بر میزان افسردگی و اضطراب ندارد. پژوهش برقی و همکاران (۱۳۷۸) نیز نشان داد که میزان بینایی اثربی بر میزان افسردگی ندارد. در حالی که پژوهش موسوی (۱۳۷۸) افسردگی در افراد نیمه بینا را بیشتر از افراد نابینا نشان داده است. مطالعه ویلهلم (۱۹۸۹) نیز با یافته‌ها همسو می‌باشد و بیانگر این است که میزان اضطراب در کودکان نابینا و کمبینا شبیه به هم است.

نتایج پژوهش حاضر میزان افسردگی را در مجردات بیشتر از متأهل‌ها گزارش می‌کند، در حالی که میزان اضطراب را در دو گروه یکسان نشان می‌دهد. این یافته روشن می‌کند که ازدواج یکی از عوامل مؤثر در بهداشت روانی و سلامت روانی معلولین بینایی است و کسانی که مجرد هستند، به علت اینکه از ثمرات یک زندگی رضایتبخش، این وسرگرم کننده برخوردار نمی‌باشند، بیشتر در معرض ابتلا به ناراحتی‌های روحی و روانی قرار دارند.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین حاکی از این است که میزان افسردگی در معلولین بینایی غیر شاغل بیشتر از معلولین بینایی شاغل می‌باشد اما در مورد اضطراب تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نشد. لذا داشتن شغل نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در بهداشت روانی و سلامت روانی معلولین بینایی است و صرف نظر از جنبه‌های مادی و اقتصادی، مانع بروز بیماری‌های عصبی و روانی می‌گردد. اکثر نابینایان کار و شغل را صرفاً وسیله‌ای برای تأمین نیازهای مادی و فیزیولوژیکی نمی‌دانند، بلکه کارکردن را محور کسب احساس امنیت، احساس تعلق به دیگران، احساس خودشکوفایی و کسب احترام می‌دانند. لذا نداشتن شغل به ویژه برای این افراد، عوارضی را ایجاد می‌نماید.

در خاتمه به محققین بعدی پیشنهاد می‌شود مطالعات و پژوهش‌هایی در زمینه عوامل مؤثر در افسردگی و اضطراب معلولین بینایی، عوامل مؤثر در افسردگی و اضطراب زنان، مشکلات ازدواج و مشکلات اشتغال معلولین بینایی به انجام برسانند و مقایسه‌هایی بین معلولین بینایی و افراد عادی، معلولین بینایی مادرزادی و اکتسابی و معلولین بینایی جانباز و غیرجانباز از نظر میزان افسردگی و اضطراب به عمل آورند.

با لحاظ نمودن نتایج حاصل از این پژوهش شاید بتوان به مسئولان و برنامه‌ریزان و دستاندرکاران امور معلولین بینایی پیشنهاد کرد تا برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی و همچنین فراهم نمودن موقعیت‌ها و امکانات ازدواج برای این قشر از افراد جامعه به عمل آورند و با تشکیل بنیادها و نهادهای خاص، فعالیت‌های گسترده‌تر و منسجم‌تری در جهت رسیدگی به این گونه امور و مسائل به انجام برسانند.



یادداشت‌ها

- | | |
|-------------------------|-------------------------------|
| 1) Kirk | 2) Gallagher |
| 3) Cutsforth, Thomas. D | 4) Sommers, V.S. |
| 5) Lowenfeld | 6) Blank, H.R. |
| 7) Cown | 8) Brieland |
| 9) Schnijer, C. R. P | 10) Haresharn. K. R. |
| 11) depression | 12) anxiety |
| 13) vision sense | 14) visual handicap |
| 15) blindness | 16) low vision |
| 17) survey research | 18) Beck Depression Inventory |

- | | |
|--------------------------|-----------------------|
| 19) Cattle Anxiety Scale | 20) frequency |
| 21) percentage | 22) mean |
| 23) standard deviation | 24) variance analysis |
| 25) t test | |

منابع

- آتش پور، حمید و مهدیزادگان، ایران (۱۳۷۶). افسردگی در نابینایان. خلاصه مقالات اولین انجمن روان‌شناسی ایران، کنگره انجمن روان‌شناسی ایران.
- اسلامی نسب، علی (۱۳۷۲). روان‌شناسی معلولیت و جانبازی. تهران: انتشارات صفائی‌شاه.
- امامی پور، سوزان (۱۳۷۶). بررسی مقایسه میزان عزت نفس دانش‌آموزان عادی و نابینای ۱۰-۱۲ ساله. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تهران.
- برقی، اسماعیل، حق نظر، بهزاد، کاووسی، شهین و قنابیزچی، محمدعلی، (۱۳۷۸). بررسی عزت نفس، افسردگی و نگرش دانش‌آموزان نابینا از نظام تلفیقی. کمیته پژوهش مدیریت آموزش و پرورش استثنایی استان خراسان.
- پرون، آر. و پرون، ام(بی تا). روان‌شناسی بالینی (مبانی آزمایش بالینی و فرایند تشخیص). (ترجمه محمود منصور و پریخ دادستان، ۱۳۷۶). تهران: انتشارات بعثت.
- پورافکاری، نصرالله (۱۳۷۶). فرهنگ جامع روان‌شناسی، روان‌پژوهشی و زمینه‌های وابسته. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- سیف‌نراقی، مریم و نادری، عزت‌الله (۱۳۸۰). روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی. چاپ اول تهران: انتشارات ارسباران.
- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۷۹). روان‌شناسی و آموزش کودکان نابینا. چاپ اول. تهران: نشر گفتمان خلاق.

موسوی، رضا (۱۳۷۸). مقایسه میزان افسردگی دانشآموزان بینا، نیمهبینا و نابینا در مدارس ابتدایی استان گیلان، پایان نامه کارشناسی روان‌شناسی آموزش کودکان استثنایی. مرکز آموزش عالی فرهنگیان شهریار مکه.

میلانی فر، بهروز (۱۳۷۴). بهداشت روانی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات قومس. هالاهان، دانیل، پی و کافمن، جیمز، ام. (بی تا). کودکان استثنایی (مقدمه‌ای بر آموزش‌های ویژه). (ترجمه مجتبی جوادیان ۱۳۷۵). مشهد: آستان قدس رضوی.

- Foxall, Martha j., Barron, Cecilia R., von Dollen, Kathleen., Jones, Patricia A.& et al.(1992). Predictors of loneliness in low vision adults. Western Journal of Nursing Research., 14(1), 86-99.
- Hersen, M. & Kabacoff, R L. (1995). Assertiveness, depression and social support in older visually impaired adults.Journal of Visual Impairment and Blindness, 89(6), 529-530.
- Oren, Dan A. (2001). Visual impairment and patterns of winter seasonal depression: Seeing the light. Journal of Visual Impairment and Blindness, 95(4),226-229.
- Shmuely, Dulitzki Yochi, Rovner, Barry W. & Zisselmann, Pam (1995). The impact of depression on functioning in elderly patients with low vision. American Journal of Geriatric of Psychiatry, 3(4), 325-329.
- Szlyk, Janet P., Becker, Jillian E., Fiskman, Gerald A. & Seiple, William (2000). Psychological profiles of patients with central vision loss. Journal of Visual Impairment and Blindness, 94(12), P. 781-786.
- Teitelbaum, L. M., Davidson , P. W., Graritter, G. j. & Tavbe, H. A. (1994). The relation of vision loss to depression older veterans. Journal of Visual Impairment and Blindness, 8, 253-257.
- Wilhelm, James, G. (1989). Fear and anxiety in low vision and totally blind children. Education of the Visually Handicapped, 20(4), 163-172.